

تاریخچه، نظریات، گرایش‌ها و نقد فمینیسم

نویسنده: نرجس رودگر

ناشر: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان (با حمایت سازمان ملی جوانان)

تاریخ انتشار: بهار ۱۳۸۸

سیده فاطمه محبی؛ کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی



فصل اول به تاریخ پیدایش فمینیسم اشاره می‌نماید و فضای اجتماعی سیاسی حاکم در قرن هفدهم و هجدهم را زمینه‌ساز ظهور فمینیسم برمی‌شمارد. همچنین شکل‌گیری اندیشه‌ی روشنگری، مدرنیته، لیبرالیسم در شکل‌گیری و ظهور فمینیسم مؤثر شمرده می‌شود. سپس به بررسی موج‌های سه‌گانه‌ی فمینیسم می‌پردازد.

در فصل دوم با اشاره به شاخه‌های مختلف فمینیسم لیبرال، مارکسیسم، رادیکال، سوسیالیسم و پست مدرن به طرح نظریات هر یک از این شاخه‌ها، ایدئولوژی حاکم بر آن، اهداف و آرمان دستاوردهای آن‌ها می‌پردازد. همچنین شخصیت‌های مطرح در هر یک از این گرایش‌ها معرفی می‌شوند و نظرات مهم آن‌ها مطرح می‌شود.

در فصل سوم، مؤلف آموزه‌های فمینیستی را بررسی می‌نماید. از جمله آموزه‌ی خانواده و مادری که هر یک از شاخه‌ها و گرایش‌ها فمینیسم در مورد این موضوع نقطه‌نظراتی را مطرح نموده‌اند. آموزه‌ی بعدی برابری و تفاوت است. برابری عمدتاً با تأثیر از اندیشه‌ی لیبرالیستی مطرح گردیده است به طوری که تفاوت‌ها را ساخت جامعه می‌شمارد که منجر به تحقیر زن شده است. در این بخش نظرات فمینیسم لیبرال و رادیکال در موضوع برابری و تفاوت زن و مرد مرور می‌شود. آموزه‌ی

فمینیسم سال‌هاست که داعیه‌دار تلاش برای بازیابی حقوق پایمال شده‌ی زنان و رساندن آنان به وضعیت مطلوب زندگی است. جنبش و نظریه‌ای که گرچه از دامن تحولات خاص اجتماعی سیاسی حاکم بر برخی جوامع اروپایی و آمریکایی در قرن نوزده و بیست سربرآورده تا پس از چندی داعیه‌ی جهانشمولی به خود گرفت و شعارها و مطالبات خود را بر تمامی زنان جهان تسری داد، گرچه بزرگنمایی فمینیسم و ارائه‌ی چهره‌ای قدرتمند از آن با توجه به رکود و افول نظریات و عملیات فمینیستی، دور از واقعیت به نظر می‌رسد اما از آنجا که ورود فمینیسم در عرصه‌ی جوامع به تغییراتی فرهنگی منجر شده است و اساسی‌ترین واحد اجتماع یعنی خانواده را دستخوش تغییر و تحول نموده، لذا نقد نظریات فمینیستی ضرورتی انکارناپذیر است.

کتاب فوق در صدد است با پرداختن به تاریخ، گرایش‌ها، نظریات و نقد فمینیسم، اطلاعات جامعی از جریان فمینیسم ارائه نماید. زیرا به نظر می‌رسد جهت مصونیت‌بخشی جامعه در برابر اندیشه‌ها و مکاتب انحرافی غرب از جمله فمینیسم، باید در مرحله به شناخت و ترویج آموزه‌های این نظریه اقدام کرد و در گام بعد با توجه به آموزه‌های اسلام به نقد آن پرداخت. این کتاب در چهار فصل طراحی شده است.



مبانی اندیشه‌ی فمینیسم اشاره می‌کند. از جمله اومانیزم، سکولاریسم، عقل‌گرایی و فردگرایی. سپس آموزه‌های مطرح فمینیسم را به چالش می‌کشد. در ابتدا آموزه‌ی برابری، سپس مبحث تفاوت و سپس رابطه‌ی تفاوت‌های طبیعی با برابری یا تفاوت‌های حقوقی را مورد بررسی قرار می‌دهد. در بخش پایانی کتاب، پیامدهای فمینیسم اعم از پیامد مثبت و منفی آن مطرح می‌شود. همچنین میزان سودرسانی فمینیسم به زنان بررسی می‌شود و به این سؤالات پاسخ داده می‌شود. آیا فمینیسم جریانی به نفع مردان بوده است؟ آیا فمینیسم جریانی به نفع منافع سرمایه‌داری بوده است؟ آیا فمینیسم در جهت منافع سیاستمداران بوده است؟ پیامدهای فمینیسم برای هویت زنان، خانواده و حقوق زنان چه بوده است؟

دیگر نظرات فمینیسم در حوزه‌ی سیاست است که در موج اول و دوم شاخه‌ی لیبرال و رادیکال در مورد حضور زنان در سیاست، نظراتی را مطرح نموده‌اند. موضوع بعدی معرفت‌شناسی فمینیستی است که فمینیسم نقدهایی را بر معرفت‌شناسی مطرح می‌نماید؛ از جمله غفلت از نقش فاعل شناسایی، غفلت از نقش اجتماع در معرفت، تفکیک فاعل شناسایی از متعلق شناخت و تأثیر عواطف در معرفت.

حوزه‌ی بعدی فمینیسم و اخلاق است. در این بخش نقد فمینیست‌ها به اخلاق سنتی مطرح می‌شود، به گونه‌ای که از نظر فمینیست‌ها اخلاق سنتی ناظر بر ارزش‌های مردانه است، حامی و دوستی زنان می‌باشد، صفات زنانه را تحقیر می‌نماید و از مسائل اخلاقی زنان غفلت می‌نماید. در ادامه، مؤلف به بحث اخلاق فمینیستی می‌پردازد.

در فصل چهارم، مؤلف به نقد نظریه‌ی فمینیسم می‌پردازد و در آغاز به